

خیال خام

نویسنده: حانیہ ابوالقاسم

شاعر: عالیہ ابوالقاسم



انتشارات روشا

سرشناسه	: ابوالقاسم، هانیه، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: خیال خام/ نویسنده هانیه ابوالقاسم؛ شاعر عالیه ابوالقاسم.
مشخصات نشر	: تهران: روشا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۵۶ص.
شابک	: 978-600-5595-17-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
موضوع	: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
شده افزوده	: ابوالقاسم، عالیه
رده بندی کنگره	: PIR۷۹۴۳۰۷۸۵۳۳/ب خ ۹۲۹۲ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۳/۶۲۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۴۳۹۲۱



انتشارات روشا

انتشارات روشا

خیال خام

نویسنده: هانیه ابوالقاسم

شاعر: عالیه ابوالقاسم

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینوگرافی: اردلان

چاپ: گلپان چاپ

طراح جلد: پرین حمزه‌لو

حروفچینی: نوین گرافیک

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۹۵-۱۷-۸

آدرس: تهران، شهرک ژئودارمری، بلوار مرزداران، خیابان لادن،

بلوک ۴ طبقه ۴، واحد ۱۲ تلفن: ۴۴۲۳۳۰۷۸ همراه: ۰۹۱۲۱۳۴۰۲۶۷

یادداشت:

بارها گفته و نوشته‌ام، عشقم بدرقه راه این کتاب است، باشد که جایی هر چند کوچک نه در کتابخانه که در دلتان داشته باشد. عشقی که از لحظه شروع یک اثر، آغاز و در طول مدت شکل‌گیری تا اتمام آن همواره در وجودم جاریست.

پیدایش این کار در قلب زمستان بود. نزدیک غروب بود و خیابان‌های تهران اسیر ترافیکی اصطلاحاً روان. روی صندلی عقب پژوی مشکی رنگی پشت راننده نشسته بودم. نه اتومبیل همان پژوی داستان بود و نه من در جایگاه یگانه. سکوت و آرامش فضا برایم خاص بود. حس غریبی داشتم. حسی که تا پیش از آن به عناوین مختلف و در جایگاه‌های متفاوت تجربه کرده بودم. سر رشته الهام را به دقت و تخیل پیوند زده و، چهار چوب کلی این اثر به یاری خداوند شکل گرفت.

اگرچه بخت با شخصیت‌های دوست‌داشتنی این کار یار نبود و چاپ آن بیش از پنج سال به طول انجامید. اما همچنان با مرورش حسی غریب درونم جاری می‌شود و قلبم فشرده. آرزوی قلبی‌ام، تجربه حسی از این حس برای شماست. چون معتمد:

"هر سخن کز دل بر آید
لاجرم بر دل نشیند"

سخن ناشر

گاهی هنگام آغاز کاری، صدایی درونی به ما نهیب می‌زند و ما را از دست زدن به آن کار منع کرده و دلشوره‌ای ناخودآگاه در ما به وجود می‌آورد و گاهی چون سرروشی از غیب ما را تشویق به انجام آن کار می‌کند و انگیزه‌ی ما را برای انجام آن بیشتر می‌نماید.

خوشا کسانی به موقع به این ندای درونی خود گوش می‌دهند و با این کار جلوی ضرر و زیان را گرفته و از منافع آن برخوردار می‌شوند. ببینیم قهرمان داستان «خیال خام» از کدام دسته و گروه است، از کسانی که صدای درون را می‌شنوند و به آن عمل می‌کنند یا ...

شهناز مجیدی

آخ که چه هیچ عطری به اندازه خاک باران خورده مرا مدهوش
نمی‌کند! بهترین حال وقتیست که دقایقی پس از سپیده صبح، در هوای
آزاد باشی. و شاهد ریزش نخستین قطرات باران. هیچ حسی دل انگیزتر و
لطیف‌تر از این نیست. علی‌الخصوص در فصل بهار که به محض بیدار
شدن به حیاط خانه مان می‌روم. زیر طاق پیچک‌های یاس امین‌الدوله
می‌ایستم و تمام وجودم را مملو از عطرشان می‌سازم. در این میان چهره
خواب آلودم با دانه‌های ریز باران بهاری شسته و پاک می‌شود. دستم را
میان گیسوان پریشان یاس می‌برم. با نوازش گل‌های سپید و طلایی،
دستم بوی عطر می‌گیرد. طبق عادتی دیرینه چند تایشان را با دقت
می‌چینم و شهد انتهایشان را می‌نوشم.

عاشق طبیعتم. دلم می‌خواهد ساعت‌ها در دامن طبیعت به حال خود
رها باشم. بس که از آدم‌ها و تحملشان خسته‌ام. بس که من یک جورم و
اطرافیانم جور دیگر. من از تبار همان‌هایی هستم که برای زندگی و
خواسته‌هایشان می‌جنگند. همان‌هایی که از موقعیتشان راضی نیستند و
به هر دری می‌زنند برای خلاصی. همان‌هایی که قانع نیستند و دلشان
می‌خواهد آنطور که دوست دارند زندگی کنند. خسته می‌شوم، اما گاهی
می‌آرزود. گاهی هم هیچ چیز کوچک‌ترین تغییری نمی‌کند. در کنار روحیه
جنگجویی و مبارزه طلبی، به شدت جسور و اهل ریسک هستم. زندگی پر
هیجان نتیجه جسارت است و من عاشق هیجانم. مثل هیجان خاص آن
روز که تا ابد فراموش نخواهم کرد....